

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

## روپارویی موضعگیری های ضد و نقیض یا تفاهم در مورد صلح در کشور؟ گوناگونی نظریات در مورد دستیابی به هدف واحد تغییر تاکتیک های "طالب" ها در امر تقابل با غرب

وسعت همکاری های منطقی و یا روپارویی؟  
تشدید جنگ در کشور و تداوم عملیات هوایی  
تنوع مخالفان مسلح و اشتراک منافع آنها  
نوسان در جبهه گیری ها

قبل از طرح کلیات موضوع مورد بحث، تذکر این مهم لازمی بنظر می رسد که تفاهم و مذاکره درکل، دربرگیرنده اصل تبادل ارتباط بمنظور رسیدن به توافقی بشمار می رود، بخصوص زمانی که شما و طرف یا طرف های مقابل شما دارای منفعی هستید که بین شما مشترک می باشد. همچنین در همان حال منفعی دارید که با یکدیگر در تضاد نیز می باشد.

این واقعیت نباید فراموش خاطر ما گردد که در مذاکره و تبادل نظر، چه یک قرارداد بمنظور رفع اختلاف خانوادگی و یا حل و فصل صلح آمیز میان گروهایی از اهالی کشور باشد و یا میان ملت ها مطرح بحث قرار گیرد، طرف های مورد مذاکره، عادتت به چانه زدن ها روی مواضع شان مبادرت می ورزند. هریک از طرفین موضعی برای خویش اختیار نموده و برای رسیدن به سازش، امتیازاتی به جانب مقابل نیز می دهند و بهمین ترتیب گفتگوها، پی اندرپی ادامه می یابد، شاید به توافقی برسند و شاید هم نه.

در نظر باید داشت که هر روش مذاکره را می توان با سه معیار و آنهم به گونه منصفانه ای مورد قضاوت قرارداد:

- این روش باید منجر به یک توافق معقول و قابل قبول شود، اگر موافقتی امکان پذیر باشد؛
  - این روش باید مؤثر بوده و کارآیی داشته باشد؛
  - هدف مذاکره، باید مناسبات و روابط میان طرفین را بهبود بخشیده و یا حداقل به روابط آنها خللی وارد ننماید؛
- و اما معمول ترین نوع مذاکره، متکی بریده بستن های پی اندر پی یا بعباره دیگر تکرار مواضع می باشد. هنگامیکه مذاکره کنندگان روی مواضع خود پافشاری می نمایند، خوششان را در تار و پود این مواضع محبوس می نمایند. هر قدر بیشتر موضع خودتان را روشن کنید و از آن در برابر حملات وارده دفاع کنید، بیشتر به آن متعهد می شوید. هر قدر بیشتر کوشش نمائید که طرف مقابل را به غیر ممکن بودن تغییر موضع اعلام شده خود متقاعد سازید، انجام این کار مشکل تر می شود. ضمیر و نفس شما با موضعتان بهم پیوند می خورند. اینک شما یک علاقه تازه ای هم دارید و آن اینست که از حرمت خود دفاع کنید، یعنی عمل آینده خود را با موضع قبلی تان سازش دهید و در نهایت، حصول هر نوع توافقی که منافع اولیه طرفین را بصورت معقولی پیوند دهد، ضعیف تر می گردد. همچنان نباید فراموش نمود که:

- پافشاری بیش از حد روی مواضع، به توافق های غیر معقولی می انجامد؛

- پافشاری روی مواضع کارآیی ندارد؛

- پافشاری روی مواضع، تداوم روابط جاری میان طرفین را به مخاطره می اندازد؛  
- هنگامیکه بیشتر از دوطرف در مذاکرات شرکت می ورزند، تأکید و پافشاری روی مواضع، سبب بد و بدتر شدن وضعیت می گردد؛

- خوش خویی کارساز نیست؛  
- شرکت کننده های مذاکرات دوستان همدیگرند و یا رقیب و دشمن یکدیگر؛  
- آیا هدف رسیدن به توافق است یا مقصد نهایی پیروزی می باشد؛  
- امتیاز بدهید تا روابط را حفظ و تقویت نمایید و نه بمتابه پیش شرط حفظ روابط امتیاز بخواهید؛  
- در رابطه با افراد و مسأله مورد نظر، نرم و ملایم باشید و نه سخت و تغییر ناپذیر؛  
- به دیگران باید اعتماد نموده و اصل عدم اعتماد را بخود راه ندهید؛  
- موضع و مواضع خود را به سهولت تغییر دهید یا روی موضع خود پافشاری نکنید؛  
- پیشنهاد جدید بدهید و تهدید ننمایید؛  
- حداقل مسایل مورد قبول خود را آشکار سازید و طرف مقابل را گمراه نکنید؛  
- بمنظور نایل گردیدن به توافق، عقب نشینی نموده و خساره هایی را نیز بپذیرید و الخ.  
پس از کلیات گویی های ذکر شده، اینک بصورت مشخص به بررسی اوضاع کشورما افغانستان عزیز پرداخته می شود:

در آغاز سال ۱۳۶۹، کشورما به میدان رقابت های دوا بر قدرت مبدل گردید، یکی از جمله ایندو اتحادشوروی بود که درهم شکسته شد و رخت سفر بر بست و دومی هم ایالات متحده بود که تا حدود زیادی، علاقه اش را در قبال کشور ما از دست داده و از اهمیت ستراتیژیکی افغانستان بمتابه دولت "حایل" نیز کاسته شد. با ختم "جنگ سرد" و تشکیل جمهوری های مستقل در آسیای مرکزی، افغانستان بصورت منحصربفردی با مرزهای باز، زمینه عبور به مسیرهای تجارتي را مساعد و مهیا نموده و بمتابه کریدور انتقالی و ترانسپورتي برای اقتصادهای متکی بر منابع زیرزمینی مبدل گردید.

به ارتباط مسأله گفته آمده، باید یادآور شد که طی سال های یاد شده، اما اهمیت ستراتیژیک کشورما بمقیاس منطقوی ارتقا حاصل نمود. در این برهه زمانی، با تغییر و تبدیل ابر قدرت های جهانی، بازیگران منطقوی و قبل از همه پاکستان و ایران جاگزین قدرت های جهانی گردیدند که به نحوی از انحا با این و یا آن گروه مسلح در داخل کشورما از مناسبات و پیوند های پایداری برخوردار بودند. عدم ثبات و نبود امنیت و وسعت روزافزون شکل بندی های نظامی در افغانستان، ثبات و امنیت را بخصوص در جمهوری های جدید تشکیل شده آسیای مرکزی مورد تهدید جدی قرار داده و همچنان، موجودیت مناسبات تباری میان اقوام ساکن در دو سوی رود آمو، نگرانی های جدی را ببار آورد.

برجسته نمودن معیارهای منطقوی معضله و مشکل داخلی کشورما بصورت مستقیم با رشد و انکشاف غیر رسمی و غیرقانونی منابع زیرزمینی ارتباط دارد و اما بصورت منحصربفردی، یگانه منبع تغذیه "اقتصاد جنگی" در افغانستان را تشکیل نمی دهد، بلکه گونه های مختلف عوامل و فکتورها آنها در شرایط و وضعیت تکه تکه شدن قبیله یی - نژادی، موارد دیگر چگونگی بحران متذکره را تشکیل می دهد که در نتیجه می توان شاهد شکل گیری گروهها و باند های تبهکار مسلح نیز بود.

در اینجا بيمورد نخواهد بود تا در مورد پس زمینه، اشکال ظهور و وسعت اختلافات منطقوی از جمله در کشور عزیز ما افغانستان، نکاتی را متذکر گردیم.

یادآوری این مسأله لازمی به نظر می رسد که زد و خوردها و درگیری های کنونی در کشور عزیزما از نقطه نظر پیش نیاز، تحول و اشکال ظهور، ویژگی های معمولی برخوردهای منطقوی را در خود نهان داشته و همچنان بحران در کشورما، از اشکال معمولی بحران های منطقوی نیز محسوب می گردد.

برجسته نمودن بررسی ها و اندازه گیری های منطقوی معضلات افغانستان را بصورت قطع با مطالعه و بررسی توسعه اقتصاد غیرقانونی در کشور باید مرتبط دانست. باوجود آنکه اقتصاد غیرقانونی در عرصه یاد شده از نقش

نسبتن متبازری برخوردار می باشد، اما یگانه منبع و مبدأ "اقتصاد جنگی" محسوب نمی گردد، بلکه انواع مختلف عواملی را نیز باید در اینمورد نامبرد که در شرایط ناراحتی های قومی و قبیله ای و وضعیت متشنج اوضاع بین المللی پدید آمدند.

در آغاز سال ۱۳۶۹، چگونگی وضع و بخصوص با فرسایش تدریجی مرزهای کشور، آنهم در شرایط و وضعیت انقسام قومی و سیاسی، بیش از هر زمان دیگر سبب پیدایش انگیزه جدید وسعت گذرگاههای مرزی بمنظور تجارت و قاچاق مواد مخدر گردید که در نوع خود، زمینه مهاجرت تعداد بیشمار افغان ها را به خارج از کشور و کوچکشی به کشورهای همجوار نیز مساعد نمود.

اساس این اقتصاد در سایه منطقوی، بصورت یک کل، دربرگیرنده تجارت و قاچاق مواد مخدر می باشد که عواید بدست آمده از آن هم سبب ازدیاد و افزایش تولید غیرقانونی و غیرمجاز مواد متذکره گردیده و همچنان تداوم تحرکات جنگی و انجام اعمال خرابکارانه نیروهای مخالف مسلح را تضمین می نماید. همزمان با آن افغانستان، سیستم منطقوی تجارت غیرقانونی مواد مخدر را که شامل ساحه تجارت آزاد در دویی (امارات متحده عربی) و همچنان پاکستان و ایران می گردد، تحت پوشش قرار داده و بصورت تدریجی، اثرگذاری اش را بر دول کشورهای آسیای مرکزی نیز بجا می گذارد.

افغانستان در بیشترین مدت زمان سال های ۹۰ سده ۲۰ بخصوص در مناطق ضعیف مدیریت شده یا کاملن کنترل نشده، بصورت یک کل، موجودیت بقایای زیرساخت های ترانسپورتی را همچنان حفظ نموده که سبب تأمین ارتباط آن با ایران، پاکستان و جمهوری های آسیای مرکزی شده و بمثابة مرکزی برای سیستم اقتصاد منطقوی مبدل گردید.

یکی دیگر از جمله مسایل اصلی مورد بحث، حمل و نقل و تحویل غیرقانونی کالاهای قاچاقی، آنهم در مقیاس منطقوی و موجودیت مقررات غیرقانونی کالاهای بدون مالیات از جمله نفت ایران نیز می باشد که در بازارهای داخلی به قیمت نهایت ارزان دستیاب گردیده و بدسترس خریداران افغان و پاکستانی در دویی قرار می گیرد. چنین ترانزیت غیر رسمی در سرزمین کشورما با نقل و انتقال و صدور و انتقال مجدد کالاهای مورد نظر از افغانستان به پاکستان، جایی که عوارض گمرکی فوق العاده گران می باشد، صورت می گیرد. سطح مالیات کالاهای تولید شده مورد نظر در محل، در نوع خود، محرک نیرومند و قوی تجارت غیرقانونی و سوءاستفاده و فساد محسوب می گردد. بصورت مشخص، پاکستان همراه با افغانستان، نقش بس عمده و متبازری در اقتصاد سایه منطقوی ایفا می نمایند.

این مسأله قابل دقت می باشد که مطابق توافق سال ۱۳۲۴ افغانستان - پاکستان و طبق مفاد کنوانسیون سال ۱۳۲۹ سازمان ملل در مورد انکشاف تجارت، این حق افغانستان بمثابة کشور محاط به خشکه محفوظ می گردد تا بیشترین بخش کالاهای وارداتی مورد ضرورتش از قبیل مواد و وسایل الکترونیک، لوازم منزل و قطعات یدکی، چای، لباس و سایر اموال مصرقی اش را از طریق پاکستان و بصورت عمده از بندر کراچی وارد کشور نماید. جنگ در سرزمین کشورما و موضعگیری های خصمانه حاکمان پاکستان جریان معاملات را معکوس نمود. بدینترتیب، کالاهایی که به افغانستان وارد می گردد، با استفاده از راهها و طرق غیرقانونی و بصورت قاچاق به کشور پاکستان صدور مجدد می گردد. ترانزیت اموال قاچاقی، یکی از جمله بخش های اساسی و درشت اقتصاد سایه بی منطقه بی را تشکیل می دهد.

باید متذکر گردید که اقتصاد سایه، واقعیتی است که همواره در حال رشد و وسعت می باشد. تقریبین همه کشورهای درکنترول رشد آن سعی می ورزند. در اقتصاد سایه یا پنهان، فعالیت های اقتصادی به گونه غیرقانونی انجام پذیرفته و در نتیجه، فرار مالیاتی و تطهیر پول نیز صورت می گیرد. رشد اقتصاد سایه می تواند چرخه زیانباری نیز بهمراه داشته باشد. مبادلات در اقتصاد سایه مالیات را تحت تأثیر قرار داده، بطوریکه مالیات گیرنده، مقدار اندکی از آنچه باید دریافت نماید، بدست می آورد و دولت ها هم با افزایش نرخ مالیات، سبب بدتر شدن خدمات عمومی می شوند. مطالعه و بررسی مدل سازی های اقتصاد های خرد وکلان که بر بنیاد داده های چندین کشور قرارداد، نشان می دهد که نیروهای اصلی رشد اقتصاد سایر کشورها با نسبت پرداخت های مالیاتی و پرداخت های امنیتی -

اجتماعی بالا رفته و با محدودیت های فزاینده در بازار رسمی کار ترکیب می گردد. نرخ های دستمزد رسمی نیز در رشد اقتصاد نقش مؤثری ایفا می نماید. فقدان و یا عدم مؤثریت کمک های بین المللی در عرصه بازگرداندن ثبات و تأمین رشد و انکشاف کشور ما به یقین کامل که سبب تشدید اختناق خواهد گردید. از یکجانب، در دوره پسا "طالب" ها، معاونت های مالی و کمک های اقتصادی با افزایش فوق العاده به کشور سرآزیر گردیده و قبلن، حاکمیت "طالب" ها نیز مورد تحریم قرار گرفته بود. کمک های خارجی، بصورت کل، تأثیرات مثبتی در انکشاف اقتصاد قانونی و رشد محصولات زراعتی، استخراج گاز و استفاده از منابع طبیعی بجا گذاشت. از جانب دیگر، کمک های خارجی و بین المللی در جهت اعاده ثبات و انکشاف اجتماعی - اقتصادی کشور ما از تأثیرات معینی نیز برخوردار بود. می توان با جرأت اظهار داشت که از چنین وضعیت، بمتابه اهرم فشار علیه این و یا آن نیرو و نیروهای سیاسی در داخل کشور نیز کار گرفته شد. امر مبارزه بمنظور دسترسی به کمک های خارجی، در نوع خود نیز بمتابه یکی از بخش های متشکله مبارزه سیاسی داخلی افغانستان محسوب گردید.

در فرجام، تذکر این موضوع از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد که مسأله موجودیت، تهیه و نقل و انتقال موادمخدر در کشور ما نه تنها برای مردم کشور و برای افغانستان و مناطقی در آسیا، بلکه خطرات و تهدیدهایی را به مقیاس جهانی نیز بیار آورده است.

در سرزمین کشور عزیز ما که در طول مدت زمان چندین سال از حاکمیت سیاسی مؤثر و کارا که قادر به احیای اقتصاد بوده و در ارتقای سطح زندگی باشندگان کشور ما اقدام بسزا نموده و همچنان در تأمین امنیت و ثبات در کشور اقدام ورزد، اصلن خبری نبود. دهقانان کشور که از فقر کشنده در عذاب بوده، هیچ راه و وسیله دیگری جز زرع و کشت خشخاش بمنظور رفع مایحتاج زندگی خود و خانواده شان سراغ نداشتند. همچنان مبالغ بدست آمده از مدرک قاچاق مواد یاد شده، سبب تقویه بیش از پیش مخالفان مسلح کشور گردیده و سازمان های تروریستی نیز از چنین وضعیتی حد اکثر سواستفاده نمودند که در برگیرنده کل منطقه ما و بخش هایی از جهان نیز گردیده و در گام نخست کشورهای همجوار افغانستان را مورد تهدید جدی قرار می دهد. باید اذعان داشت که "مبارزه علیه تروریسم" در کشور ما به نتیجه مطلوبی نیانجامیده، بلکه بیش از هر موقع دیگر، وضعیت در کشور ما به تشنج گرایید. اگر جامعه جهانی به موفقیت قاطعی در مبارزه علیه زرع و قاچاق مواد مخدر که در نوع خود ستون فقرات مالی تروریسم بین المللی را تشکیل می دهد، نایل نگردید، پس مبارزه با تروریسم بمتابه مبارزه با مافیای مواد مخدر که تهدید مستقیم آن متوجه باشندگان کشور ما می باشد، باید پذیرفته شود. بنابراین، کشورهایی که مورد تهدید قرار دارند، باید بصورت مشترک در قبال خطریاد شده به اقدامات عملی و مؤثری مبادرت ورزند.

همچنان بمنظور وضاحت بیشتر مسأله، از جمله نباید موارد مورد نظر و نحوه ارتباط آنها را با همدیگر از نظر دور داشت که به گونه عمده می توان آنها را ذیلن برشمرد:

نقش زد و خوردها و برخوردهای منطقوی در پروسه سیاسی جهانی؛

ارتباط برخوردهای منطقوی با امنیت بین المللی؛

و تأثیر گذاری مناقشات منطقوی در مجموعه مناسبات بین المللی.

به خطرات و عواقب این بلای کشنده باید اندیشید و هرچه زودتر تا دیر نشده از کشت، زرع و قاچاق آن باید جلوگیری بعمل آورد.

هفدهم ماه فبروری سال ۲۰۱۸